

زمینه‌های سقوط جمهوریت با مطالعه رفتار رأی‌دهی مردم افغانستان (مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۹)

*رضا اختیاری امیری^۱، علی کریمی مله^۲، غلام‌عباس حسینی

۱. استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۲. استاد بازنشسته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، بابلسر، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۴ مهر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۹ دی ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

چکیده

چهارمین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در زمان تقابل حکومت مرکزی با طالبان در مذاکرات صلح دوحه و جنگ در بخش‌های گسترده کشور برگزار شد. انتخابات پس از چندین ماه به تعویق افتادن، سرانجام در سپتامبر ۲۰۱۹ برگزار شد. خیلی زود آمار شرکت‌کنندگان سرخط خبرها قرار گرفت. حدود ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر یعنی فقط ۲۰ درصد از واجدان رأی‌دهی پای صندوق‌های رأی حاضر شده بودند. این عدم استقبال، خبر از تحولی بزرگ در افکار عمومی و اوضاع نابسامان وضعیت سیاسی افغانستان می‌داد. اینکه زمینه‌های سقوط نظام جمهوریت در افغانستان در رفتار رأی‌دهندگان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۹ چگونه نمود یافته بوده است؟ پرسشی است که در این پژوهش با یاری گرفتن از نظریات رفتار رأی‌دهی اندیشمندانی همچون پیپا نوریس، رابرت دال و اینگلهارت به روش توصیفی تبیینی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در پی پاسخ‌دادن به آن هستیم. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد رفتار رأی‌دهی مردم افغانستان زنگ خطر مهمی را برای حکومت مرکزی و به تبع آن حیات دموکراسی به صدا در آورده بود. عدم مشارکت حداکثری در انتخابات که یکی از مهم‌ترین نمادهای دموکراسی است، نشان‌دهنده بی‌اعتمادی مردم به نظام و روشن‌نگر مقبولیت‌نداشتن آن در جامعه است. رفتار رأی‌دهندگان افغانستانی در سال ۲۰۱۹ نشان داد که هیچ شخص و گروهی به آن توجه نکرده و کمتر از دو سال بعد نتیجه آن با سقوط جمهوریت و بازگشت طالبان نمایان شد. این رفتار رأی‌دهندگان زمینه‌هایی داشته است که در این پژوهش آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها:

افغانستان، انتخابات،
دموکراسی، رفتار رأی‌دهی،
سقوط، مشارکت سیاسی.

* نویسنده مسئول:

دکتر رضا اختیاری امیری

نشانی:

استادیار روابط بین‌الملل دانشکده

حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه

مازندران بابلسر، ایران

پست الکترونیک:

r.ekhtiyari@umz.ac.ir

استناد به این مقاله:

اختیاری امیری، رضا و کریمی مله، علی و حسینی، غلام‌عباس. (۱۴۰۲). زمینه‌های سقوط جمهوریت با مطالعه رفتار رأی‌دهی مردم افغانستان (مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۹). مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۴)، ۵۱-۲۷.

۱. مقدمه

انتخابات از نمودهای ویژه مشارکت سیاسی افراد است. جامعه‌شناسی سیاسی با الگوها و نظریات گوناگون بسترهای مناسب و ویژه‌ای را برای بررسی انتخابات و مؤلفه‌های برآمده از آن ایجاد کرده است. بررسی عملکرد و رفتار نامزدها، گروه‌ها، احزاب و افراد در انتخابات از موضوعات مهم و مورد علاقه تحلیلگران سیاسی بوده و هست. در چند دهه اخیر به رفتار رأی‌دهی تمرکز و توجه خاصی شده است. رفتار رأی‌دهی به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم و با تلاش اندیشمندان «مکتب کلمبیا» در کانون توجه علم سیاست قرار گرفت و تاکنون نه تنها از اهمیت آن کاسته نشده است، بلکه امروزه علوم دیگری همچون جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد و حقوق نیز آن را بررسی می‌کنند (Rezaei, 2012: 8). انتخابات همچنین یکی از ویژگی‌های مهم دموکراسی محسوب می‌شود. پس از حمله آمریکا و متحدانش به افغانستان، دموکراسی در قالب جمهوری، جایگزین امارت اسلامی طالبان شد. یکی از پیامدهای دموکراسی برای افغانستان برگزاری انتخابات، با حضور آزادانه زنان و مردان واجد شرایط چه به‌عنوان رأی‌دهنده و چه به‌عنوان نامزد انتخاباتی بود. در سال ۲۰۱۹ چهارمین انتخابات ریاست جمهوری پس از روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در افغانستان برگزار شد که در آن، ۱۸ نامزد تأیید صلاحیت شدند و در نهایت نیز ۱۳ نامزد برای رسیدن به ریاست جمهوری با یکدیگر رقابت کردند (Johnson, 2020: 21).

در این دوره از انتخابات در حدود ۱۰ میلیون نفر از واجدان رأی‌دهی برای رأی‌دادن ثبت نام کرده بودند. در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۹ مردم به پای صندوق‌های رأی رفتند. اما خیلی زود آمار شرکت‌کنندگان بیش از نتایج انتخابات مورد توجه همگان قرار گرفت. تنها حدود ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر یعنی فقط ۲۰ درصد از جمعیت واجدان رأی‌دهی در این انتخابات شرکت کرده بودند. از میان همین تعداد کم نیز گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که حدود ۱۰ درصد آرا تقلبی و بی‌اعتبار بوده است. این استقبال نکردن از انتخابات خیلی زود در میان هیاهو و حاشیه‌های درگیری دو نامزد مطرح این دوره، عبدالله عبدالله و اشرف غنی، فراموش شد (Johnson, 2020: 20-21). بی‌شک هر کنشی در عالم سیاست واکنشی زود هنگام یا دیر هنگام به دنبال خواهد داشت. نشانه سقوط دموکراسی در سال ۲۰۲۱ در استقبال نکردن از انتخابات سال ۲۰۱۹ افغانستان مشخص بود. آمار مشارکت و رفتار رأی‌دهی در این انتخابات چالش بزرگی را برای ادامه دموکراسی در این کشور به نمایش گذاشت. البته اندیشمندان و دولت‌مردان افغانستانی این فرصت را داشتند با بررسی دقیق وقایع و نتایج انتخابات سال ۲۰۱۹ آسیب‌شناسی کنند و سپس

خطرات احتمالی را رفع کنند. فرصتی که بدون توجه نخبگان و نهادهای دولتی از دست رفت و فقط دو سال بعد، منجر به فروپاشی دموکراسی در افغانستان شد.

چنین پژوهشی در ابعادی گسترده و دقیق باید در همان روزهای ابتدایی پس از برگزاری انتخابات از سوی افراد و نهادهایی سیاسی و اجتماعی انجام می‌شد و نتایج آن به اطلاع دولت‌مردان رسانده می‌شد تا وخامت اوضاع برای آن‌ها آشکار شود و از وقوع حادثه‌های ناگوار آینده جلوگیری کنند. هرچند اکنون ماه‌ها از سقوط جمهوریت و برپایی دوباره امارت اسلامی طالبان می‌گذرد؛ اهمیت انجام چنین پژوهشی هنوز احساس می‌شود. اینکه چه چیزی باعث شد مردم افغانستان در کمتر از دو دهه از دموکراسی روی برگردانند، پرسشی بسیار مهم و قابل تأمل، هم برای مردم عادی و هم برای اندیشمندان علوم سیاسی است.

بررسی علل سقوط نظام سیاسی یک کشور، کاری بس دشوار و بزرگ است. انتخابات به‌عنوان یکی از نمودها و ستون‌های مهم دموکراسی، بستر مهمی برای بررسی کارکرد و جایگاه دموکراسی در جوامع دارای نظام مردم‌سالار است. هدف این پژوهش بررسی علل و پیش‌زمینه‌های تأثیرگذار بر سقوط نظام جمهوریت به‌وسیله مطالعه رفتار رأی‌دهی مردم افغانستان در انتخابات سال ۲۰۱۹ است. این پرسش مطرح است که زمینه‌های سقوط نظام جمهوریت در افغانستان در رفتار رأی‌دهندگان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۹ چگونه نمود یافته بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش از نظریات رابرت دال، اینگلهارت و پپیا نوریس در رابطه با رفتار رأی‌دهی بهره گرفتیم. همچنین روش پژوهش کیفی از نوع تحلیلی تبیینی است و اطلاعات پژوهش نیز از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری شده است.

۲. چارچوب نظری

با توجه به اهمیت پدیده انتخابات و به‌ویژه رفتار رأی‌دهندگان، تاکنون نظریات فراوانی مطرح شده است. تمرکز این پژوهش بر نظریه مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌دهی پپیا نوریس است؛ با این حال برای بررسی و گرفتن نتیجه‌ای مفید، با توجه به موضوع پژوهش، نظرات دیگر اندیشمندان معروف در این حوزه، رابرت دال و اینگلهارت را بررسی می‌کنیم.

۲-۱. نظریه مشارکت انتخاباتی رابرت دال

این نظریه ریشه در رهیافت اقتصادی (انتخاب عقلانی) دارد. بنیان‌های این نظریه بر اصل

محاسبه هزینه و فایده استوار است. این رهیافت جامعه‌پذیری را نفی و بر اهمیت انتخاب عقلانی صحنه می‌گذارد. در کل این رهیافت می‌کوشد بیان کند بین تمایل به رأی‌دهی در شهروندان با سودبردن آن‌ها از شرکت در انتخابات ارتباط مستقیم وجود دارد (Meleh Karimi, Zulfiqari and, ۲۰۱۹: ۵۰). رابرت دال با بهره‌گرفتن از رهیافت اقتصادی و اصل هزینه و فایده می‌خواهد شرکت کردن یا شرکت نکردن افراد را در انتخابات بررسی کند. از نظر وی هر قدر شخص به اهمیت و میزان اثربخشی خود در جریانات اجتماعی و سیاسی اطمینان یابد، تمایلش برای شرکت در انتخابات افزایش خواهد یافت. همچنین افراد در صورت رسیدن به این نتیجه که حضورشان در انتخابات فایده‌ای ندارد، ممکن است از رأی‌دادن امتناع کنند یا حضور پرشوری نداشته باشند. دال معتقد است هزینه‌بر و زمان‌بر بودن فرایند انتخابات نیز تأثیر مستقیمی بر میزان شرکت کردن یا شرکت نکردن افراد در انتخابات دارد (Stinebrickner and Dahl, ۲۰۱۳: ۱۹۴-۲۰۴). این نظریه به شدت فردمحور است و افراد برحسب خواسته‌ها و انتظارات خود با هدف دریافت بیشترین سود و دوربودن از ضرر، در صحنه انتخابات حضور می‌یابند.

۲-۲. نظریه رفتار رأی‌دهی اینگلهارت

نظریه رفتار رأی‌دهی اینگلهارت، نظریه‌ای جامعه‌شناختی است که تمرکزش بر تغییر ارزش‌های نسل‌هاست. وی معتقد است با گذشت زمان و تغییر فضای بین‌الملل ارزش‌ها، خواسته‌ها و اندیشه‌های نسل‌ها تغییر می‌کند. این تغییرات در رفتار اجتماعی و سیاسی افراد نمود پیدا می‌کند. از نظر او نسلی که در جنگ جهانی دوم رشد یافته با نسلی که در دوران بهبود اقتصادی و دولت‌های رفاهی رشد یافته است، کنش‌های سیاسی متفاوتی با یکدیگر دارند. اینگلهارت از «هرم مازلو» بهره گرفته و با استفاده از آن، رفتار رأی‌دهی افراد را شرح می‌دهد. نسل جدید با تغییر نیازهایش یعنی با گذشتن از نیازهای مادی، در پرتو رشد اقتصادی و ایجاد امنیت در جامعه، به سوی نیازهای اجتماعی پا می‌نهد. از این‌رو اگر در نسل پیشین افراد به کسانی رأی می‌دادند که روحیه‌ای نظامی و اندیشه‌های اقتصادی داشتند، نسل امروزی به نامزدهایی توجه می‌کنند که خواسته‌های‌شان مواردی همچون حقوق زن، تحول فرهنگی، آزادی اندیشه و در یک کلام نیازهای فرامادی باشد (Ingelhart, 2008: 131).

۲-۳. نظریه مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌دهی پپیا نوریس

پپیا نوریس برای بررسی مشارکت سیاسی و به تبع آن رفتار رأی‌دهی افراد، الگویی را مطرح

کرده است که تا به امروز یکی از جامع‌ترین الگوهای نظری در حوزه انتخابات است. شهرت و مقبولیت این الگو به دلیل بهره‌گیری از سه گروه نظریات کلان، میانه و خرد است. با چنین ویژگی می‌توان رفتار رأی‌دهی شهروندان را در سطوح مختلف بررسی کرد.

در سطح کلان، ساختار دولت و فضای سیاسی، دو اصل مطرح شده برای بررسی کیفیت و میزان مشارکت افراد در انتخابات هستند. قوانین، ساختار حزبی و نظام انتخاباتی از موارد ساختار دولت محسوب می‌شوند و تحول در بخش‌هایی همچون سطح رفاه، سواد، خدمات و آموزش فضای سیاسی را شکل می‌دهند (Norris, 2007: 632). نظریات سازمانی یا نظریات کارگزاران بسیج، سطح میانه الگوی پیا نوریس را شکل می‌دهند. احزاب، اتحادیه‌ها، سندیکاها، اماکن مذهبی، رسانه‌های جمعی و مجازی و مانند این‌ها از عوامل بسیج اجتماعی و سیاسی هستند. در بررسی رفتار انتخاباتی افراد نمی‌توان تأثیر این عوامل را نادیده گرفت. نامزدها و گروه‌ها با استفاده از این عوامل همواره برای تهییج افکار رأی‌دهندگان تلاش کرده‌اند.

در سطح خرد این الگو، پیا نوریس از کنش‌های فردی و ویژگی‌های شخصی در بررسی رفتار رأی‌دهی افراد بهره برده است. بنابراین «نظریه منابع»، «نظریه انگیزش» و «نظریه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی» سه گروه از نظریات هستند که رفتار رأی‌دهی در سطح خرد را بررسی می‌کنند. در نظریه منابع، سطح برخورداری افراد از منابع با میزان شرکت آن‌ها در انتخابات ارتباط مستقیم دارد. همچنین در نظریه انگیزش تأثیر انگیزه و اشتیاق افراد بر تمایل رأی‌دهی بررسی می‌شود. این انگیزه می‌تواند مادی و معنوی باشد. در نهایت ویژگی‌های فردی شخص همچون جنسیت، سن، مذهب، نژاد عواملی هستند که نظریه ویژگی‌های جامعه‌شناختی در تحلیل رفتار رأی‌دهی افراد مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد (Abdullah, 2009: 101).

۳. زمینه‌های مشارکت نکردن حداکثری در انتخابات سال ۲۰۱۹ افغانستان

پس از سقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱، افغانستان چهار انتخابات ریاست جمهوری و سه انتخابات پارلمانی برگزار کرده است. در طول این دوره‌ها میزان رأی‌دهی در انتخابات ریاست جمهوری از یک انتخابات به انتخابات دیگر تغییر قابل توجهی داشته است. در سال ۲۰۰۴، این کشور بیشترین مشارکت را در انتخابات داشت. بیش از ۷۰ درصد از مردم برای رأی‌دادن ثبت نام کردند که از جمعیت بیش از ۵۰ درصدشان واجد شرایط رأی‌دادن بودند و در نهایت نیز میزان مشارکت از میان واجدان شرایط ۸۰ درصد بود. این انتخابات بیشترین مشارکت را در هر انتخاباتی داشته

است. انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۹ با کمتر از ۲۰ درصد رأی، کمترین میزان مشارکت در تاریخ سیاسی افغانستان را داشته است (Nawim and Wani, 2023: 61).

در آستانه ۲۰ سالگی حاکم شدن دموکراسی و نظام جمهوری در افغانستان در سال ۲۰۱۹ چهارمین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان برگزار شد. بنابر آمار رسمی تنها حدود ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر یعنی فقط ۲۰ درصد از کل جمعیت واجدین رأی دهی (حدود ۱۰ میلیون نفر) در این انتخابات شرکت کردند (Johnson, 2020: 21). این ارقام تنها یک آمار ساده نبودند و از نابسامانی‌های سیاسی در افغانستان خبر می‌دادند. با بررسی دقیق اوضاع افغانستان به مواردی در وضعیت سیاسی و اجتماعی افغانستان برمی‌خوریم که قابل توجه و تأمل هستند. از بررسی این موارد به مجموعه عوامل و زمینه‌هایی می‌رسیم که تأثیر ویژه‌ای در رفتار رأی‌دهی مردمان افغانستان داشته‌اند. زمینه‌هایی که نه تنها نشان‌دهنده دل‌سردی مردم افغانستان از برگزاری انتخابات سال ۲۰۱۹ بودند؛ بلکه به صورت کلی ناامیدی و دل‌بریدن از نظام جمهوریت را نیز در بین این مردم نشان می‌دهند. ناامیدی که تنها کمتر از دو سال بعد، بار دیگر به سقوط جمهوریت به دست طالبان منجر شد.

۴. بی‌اعتمادی به جمهوریت در پرتو رفع نشدن خواسته‌های بنیادی دموکراسی

افغانستان تا پیش از برقراری نظام جمهوریت سال‌ها درگیر جنگ بود. از این‌رو هیچ‌گاه فرصت‌رهایی از عقب‌ماندگی را نیافته بود. با آمدن دموکراسی و از بین رفتن نسبی جنگ، خواست و انتظار مردم از این نظام تازه روی کار آمده و برآورده شدن شعارهای بنیادی آن همچون صلح، برابری، آزادی و رفاه بود. اما آنچه دموکراسی در طول دو دهه از خود در افغانستان به نمایش گذاشت، برآورده نشدن اصول و بنیان‌های اولیه‌اش بود. نابرابری‌ها و عقب‌ماندگی‌ها از حالت سنتی‌اش، شکلی نوین و نظام‌مند به خود گرفته بودند. در آستانه انتخابات سال ۲۰۱۹ کشور از ثبات امنیتی و ثبات اقتصادی برخوردار نبود. نتیجه این اوضاع بی‌اعتمادی مردم به نظام جمهوریت و دموکراسی بود؛ بی‌اعتمادی‌هایی که در پایگاه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بروز کرده بودند.

۴-۱. نابرابری و نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی

از دیدگاه نظریه رابرت دال (رهیافت عقلانی و اقتصادی) که بر مبنای هزینه و فایده است،

سر منشأ انگیزه رأی دادن افراد میزان منفعت کنش سیاسی و اجتماعی آن‌ها است (Abu-El-Haj, 2008: 172). هر اندازه نظام در برآورده کردن خواست‌های جامعه موفق باشد و در برابر کنش افراد سود ده باشد؛ به همان اندازه از سوی جامعه پابندی و مشارکت سیاسی خواهد بود. برآورده نشدن خواست و منفعت مردم از سوی دولت‌ها، نارضایتی، دل‌زدگی، عدم مشارکت و در نهایت رویگردانی سیاسی مردم را به دنبال خواهد داشت. از مهم‌ترین منافع‌ی که مردم همواره در قبال اعتماد به نظام و مشارکت سیاسی انتظار برآورده شدنش را دارند، برابری سیاسی و اقتصادی است.

بزرگ‌ترین دستاورد نشست بن آلمان پس از سقوط طالبان با حضور رهبران مهم افغانستانی و نمایندگان جهانی، رسیدن به این نتیجه بود که افغانستان کشوری موزاییکی از لحاظ قومی و مذهبی است؛ بنابراین تنها با نظامی می‌توان آن را اداره کرد که حقوق همه افراد و گروه‌ها را محترم و برابر برشمرد. نظام ریاستی تیلور و برونداد این نشست بود. بنابر «توافق‌نامه بن» و قانون اساسی جدید، حقوق همه اقوام و مذاهب باید رعایت می‌شد (Bagheri, 2017: 109). با چنین قانونی و توافقی مردم افغانستان به ویژه اقوامی که سال‌ها از نابرابری‌های گوناگون در مقابل قوم غالب (پشتون) رنج می‌بردند، خوشحال و امیدوار شدند. اما هرچه زمان از نشست بن و تدوین قانون اساسی می‌گذشت؛ ادامه روند نابرابری‌ها آشکارتر می‌شد. تمامیت‌خواهی پشتونی این بار به شکل نظام جمهوریت و از سوی رؤسای جمهور یعنی حامد کرزی و اشرف غنی خود را آشکار کرد. براساس ماده ۶۴ قانون اساسی جمهوریت، رئیس‌جمهور، رئیس هر سه قوه و قادر به اعمال صلاحیت در امور اجرایی، تقنینی و قضاییه بود. این قانون رئیس‌جمهور را در برابر هرگونه دادخواهی و پاسخ‌گویی مصون کرده بود و باعث انحصاری و تک‌قومی شدن هرچه بیشتر قدرت شده بود (Bakhtiari and Zaki, 2019: 19-18).

همچنین در طول بیست سال جمهوریت، وزارتخانه‌های مهمی همچون وزارت دفاع، وزارت امور خارجه، وزارت داخله (کشور) و وزارت مالیه به پشتون‌ها سپرده شد. تنها در مواردی خاص و نادر و آن‌هم برحسب نیاز در دوره‌هایی از قوم تاجیک در بعضی از این وزارتخانه‌ها به کار گرفته شد. ندادن پست‌های مهم به اقوام غیر پشتون در طول بیست سال حیات دموکراسی، به قانون نانوشته‌ای تبدیل شده بود که از توافق‌نامه بن و قانون اساسی قدرتمندتر بود. همان‌گونه که احمدخان دولتیار اشاره دارد قوم‌گرایی، به همراه فساد و نبود حاکمیت قانون در دولت مستقر، در بازیابی قدرت طالبان بسیار تأثیرگذار بوده است (Abbaszade and Taleshi Koleti, 2022).

108-107)؛ هرچند، بحران ناشی از عقب‌نشینی نظامی غرب، تمایل نداشتن دولت و نیروهای امنیت ملی افغانستان به جنگ و اراده طالبان برای قدرت نیز نقش مهمی داشتند. (Davoodi, Kiani and Barzegar, 2023: 140)

به هرحال نتیجه انحصارطلبی قومی، نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی بود. این انحصارطلبی قومی با خود رانت و فساد مالی به بار آورد. بنابر پژوهش «انستیتو مطالعات راهبردی افغانستان» در سال ۲۰۱۵ در رابطه با فساد اداری در این کشور، ۸۳/۳۶ درصد پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه معتقد بودند بیشترین فساد در بخش ادارات دولتی رخ می‌دهد. همچنین بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت و قانون با ۲۱/۱۳ درصد به‌عنوان مهم‌ترین اثرات و پیامدهای فساد اداری بر جامعه ارزیابی شده بود (Karim and Ebrahimi, 2015: 6-7). این فساد تا آنجا پیش رفت که در سال ۲۰۱۹ سازمان بین‌المللی شفافیت مالی رتبه افغانستان را در فساد اداری سوم اعلام کرد. با دیدن چنین اوضاعی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی کمک‌های مالی خود را به افغانستان متوقف کردند یا کاهش دادند (Islamic World Future Research Center: 3/27/2021). بر هیچ کس پنهان نیست که در طول این سال‌ها مهم‌ترین منبع مالی افغانستان کمک‌های بین‌المللی بوده است. ناکارآمدی دولت‌ها نه تنها باعث توزیع ناعادلانه و رانت در کمک‌های مالی جهانی شده بود، بلکه در راستای سیاست در انزوا نگه‌داشتن اقوام غیر پشتون هیچ تلاش چشمگیری برای سرمایه‌گذاری بر منابع معدنی در مناطق غیر پشتون‌نشین، به‌ویژه مناطق هزارجات نشد.

۲-۴. خدشه‌دار شدن هویت دینی مردم

در سطح خرد نظریه رأی‌دهی پپانوریس، اصل بر تأثیرگذاری کنش‌های فردی و ویژگی‌های شخصی است. از این رو امور هویت‌ساز فرد اهمیت می‌یابد. دین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هویتی و فردی رابطه مستقیمی با نوع رفتار رأی‌دهی دارد. مردم افغانستان پیروی دین اسلام هستند. حنفی‌ها ۷۰ درصد و شیعیان حدود ۳۰ درصد از جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند. چه حنفی‌ها و چه شیعیان هر دو گروه در این کشور، سخت پایبند امور مذهبی و عقاید خویش هستند. نقش دین آن‌قدر در بین مردم افغانستان پررنگ است که حتی نقش ملیت و قومیت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از دیرباز در زندگی قبایلی و روستایی افغانستانی‌ها ملایان و مولوی‌ها رهبری و هدایت‌گری مذهبی و سیاسی را بر عهده داشته‌اند. بنابراین تا به

همین امروز نیز این افراد از قدرت و جایگاه خاصی در بین مردم برخوردار هستند (Evans, 2021: 14). بدون شک یکی از مهم‌ترین دلایل قدرت گرفتن و پذیرش عمومی طالبان در سال ۱۹۹۶ همین وجهه مذهبی و اسلام‌گرای طالبان بود.

در چنین جامعه‌ای به یکباره نظام دموکراسی برآمده از اندیشه غرب حاکم شد. دموکراسی برای افغانستان آزادی به ارمغان آورد. این آزادی با تحول در لایه‌ها و هنجارهای جامعه، باعث برانگیخته شدن تعصب و حس مذهبی مردم افغانستان شد. از نظر طالبان، نظام جمهوریت، حکومتی سکولار و مروج فساد و فحشا و فرهنگ غربی بود (Moghadass, 2021: 61). در بیست سال جمهوریت باورها و هنجارهای غربی در نسل جدید افغانستان آرام آرام نهادینه شد. این اتفاق پیامدش شکاف نسلی بود. این شکاف نسلی خود را در رفتار، اندیشه، پوشش نشان می‌داد.

از مهم‌ترین نمودهای ضداسلامی که واکنش‌های بسیار منفی از سوی جامعه مذهبی افغانستان داشت، پخش برنامه‌های تلویزیونی بود که در آن زنان با پوششی بسیار خلاف عرف جامعه دینی افغانستان ظاهر می‌شدند. نمونه این برنامه‌ها که بسیار هم در بین نسل جوان طرفدار پیدا کرده بود، برنامه استعدادیابی خوانندگان جوان با نام «ستاره افغان» بود (Amiri, 2016: 72). این موارد شاید اوج عمل ضددینی بودن جمهوریت در نظر همه مذاهب موجود در افغانستان بود. در میان قوم پشتون که تعصبات دینی بیشتری نسبت به دیگران داشتند، قوانینی همچون برابری زنان، مدرسه رفتن دختران و مختلط بودن دانشگاه‌ها، اعمالی ضددینی و نابخشودنی محسوب می‌شد. بنابراین از نظر ایدئولوژیکی و اعتقادی نظام جمهوریت مقبول جامعه سنتی و مذهبی افغانستان نبود.

۳-۴. تأثیرات سلبی مهندسی انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴

کش‌ها و رفتارهای دولت‌ها در حافظه جمعی جامعه ثبت می‌شوند. هر سیاست و عملکردی از سوی دولت‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی افراد تأثیر می‌گذراند. دولت‌ها با عملکردشان در حال ساخت و پردازش وضعیت زندگی مردم خود هستند. از این رو افراد بر حسب تأثیرگذاری عملکرد دولت‌ها بر روند زندگی‌شان، تصمیمات فردی و متفاوتی در برابر دولت و امور سیاسی خواهند گرفت. بنابراین خاطره چگونگی عملکرد دولت مردان افغانستانی در دوره‌های انتخابات پیش از انتخابات سال ۲۰۱۹ تأثیر مستقیمی بر عملکرد فردی رأی‌دهندگان داشته است. این مورد همچون مسئله دین، در چارچوب سطح خرد نظریه پیمانوریس قابل تحلیل است.

چهارمین مسئله‌ای که باعث از بین رفتن اعتماد عمومی نسبت به نظام جمهوریست و کاربست‌های آن به‌ویژه انتخابات شد؛ تأثیرات منفی مهندسی انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ بود. در دور نخست انتخابات سال ۲۰۱۴ بیش از ۷ میلیون نفر (۶۰ درصد از واجدان رأی‌دهی) رأی داده بودند. این تعداد رأی‌دهنده، پیروزی بزرگی برای دموکراسی در افغانستان بود (Rosenberg and Sukhanyar, 2014). سومین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۴ در دو دور برگزار شد. در دور نخست عبدالله عبدالله با ۴۵ درصد آرا و اشرف غنی با ۳۱/۶ درصد آرا به دور دوم انتخابات راه یافتند. بنابر قانون اساسی افغانستان از آنجایی که هیچ‌یک از نامزها نتوانستند بیش از ۵۰ درصد آرا را به‌دست بیاورند، انتخابات سال ۲۰۱۴ به دور دوم رفت. دور دوم انتخابات در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۴ با رقابت عبدالله و غنی برگزار شد. در دور دوم با وجود اینکه پیش‌بینی‌ها از پیروزی قاطع عبدالله سخن می‌گفتند، اشرف غنی با به‌دست آوردن ۴/۵۶ درصد آرا پیروز انتخابات اعلام شد (John-son, 2020: 12). بلافاصله این نتایج با اعتراض شدید عبدالله و متحدانش مواجه شد. وی این انتخابات را غیر مشروع و با تقلب فراوان خواند. عبدالله مدارک و شواهدی را در قالب فیلم و صوت ارائه داد که نشان از تقلب گسترده تیم اشرف غنی داشت. در این زمان، استعفای رئیس کمیسیون مستقل انتخابات نیز کار را پیچیده‌تر کرد (Mafton, 2014). در نهایت پس از چند ماه هرج و مرج و سردرگمی با دخالت آمریکا و سفر جان کری به افغانستان، توافق شد تا اشرف غنی به‌عنوان رئیس جمهور و عبدالله به‌عنوان رئیس اجرایی، هر دو پیروز انتخابات اعلام شوند و این‌گونه قدرت بین آن‌ها تقسیم شد. همچنین توافق شد طی دو سال اصلاحاتی در ماهیت نظام ایجاد شود و پست نخست‌وزیری به‌وجود بیاید (Bagheri, 2017: 150). اما خیلی زود مشخص شد پست طراحی شده برای عبدالله، تنها یک پست تشریفاتی و فقط برای قانع کردن او بوده است. همچنین هیچ اقدامی از سوی اشرف غنی برای به‌وجود آوردن پست نخست‌وزیری انجام نگرفت.

نتیجه واقعی انتخابات سال ۲۰۱۴ هیچ‌گاه مشخص نشد. اما آنچه مشخص بود رخ دادن یک مهندسی انتخابات و تغییر شرایط به‌نفع تیم اشرف غنی بود. در زمان تنش سیاسی گروه‌های ذی‌نفوذ با یکدیگر، آرام‌آرام اعتماد و محبوبیت عمومی در رابطه با دموکراسی از بین می‌رفت. مهندسی انتخابات سال ۲۰۱۴ ضربه سنگینی بر پیکره دموکراسی دیکته‌شده برای افغانستان بود که پیامدها و تأثیرات آن پنج سال بعد با استقبال نکردن مردم از چهارمین انتخابات ریاست جمهوری خود را نشان داد. در آستانه انتخابات سال ۲۰۱۹ افغانستان، مشروعیت و مقبولیت نظام جمهوریست به کمترین حد خود رسیده بود.

۴-۴. تحقق نیافتن صلح و آرامش ملی

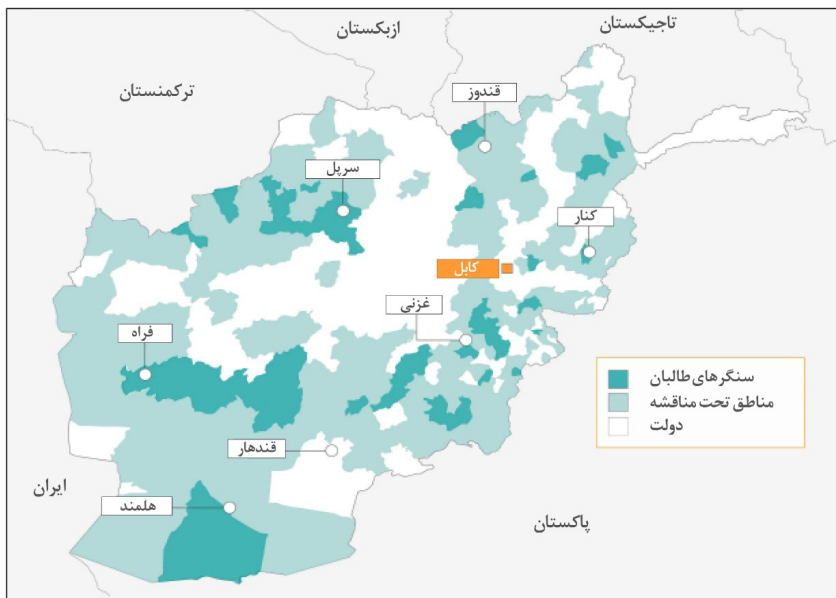
براساس نظریهٔ پیمانورس رفتار رأی‌دهی در سطح کلان متأثر از فضای سیاسی و کارکرد دولت است. یکی از مهم‌ترین مشکلات مردم افغانستان ناامنی بوده است و خواستهٔ همیشگی آن‌ها از نظام‌ها و به تبع آن از دولت‌ها برآورده شدن صلح آرامش بوده است. دلیل لشکرکشی آمریکا و همپیمانانش به افغانستان از بین بردن گروه‌های تروریستی و در رأس آن حکومت طالبان به عنوان حامی و پناه‌دهندهٔ آن‌ها بود. با سقوط امارت اسلامی، اعلام شد خطر حضور تروریسم در افغانستان در حد زیادی از بین رفته است. از این رو مردم افغانستان پس از سه دهه ناآرامی، با حضور نیروهای خارجی و برقراری دموکراسی امید زیادی به برقراری صلح و آرامش و امنیت پیدا کردند. شاید بتوان گفت اصلی‌ترین و اساسی‌ترین خواستهٔ مردم از این نظام هدیه داده شده از سوی خارجی‌ان، آرامش و امنیت ملی بود. اما این خواست و نیاز مردم افغانستان خیلی زود محو و دست‌نیافتنی شد. طالبان پس از اندک زمانی دوباره به بازسازی نیروها و قوای خود اقدام کرد. آرام آرام این گروه حملات چریکی و هدفمند خود را علیه نیروهای خارجی، نظامیان دولت افغانستان و همچنین مردم غیرنظامی آغاز کرد.

نا توانی دولت و شکست‌های پی‌پی نیروهای نظامی باعث شد در یک دهه، طالبان به قدرتی وصف ناشدنی دست یابد. به گونه‌ای که در آستانهٔ انتخابات چهارم ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۹، به گزارش مؤسسهٔ سیگار ۵۹ ولسوالی به طور کامل در کنترل طالبان بود و ۱۱۹ ولسوالی نیز در حال درگیری بین طالبان و دولت مرکزی بود (Aryan News Agency, 2018). در کنار درگیری‌های میدانی، به طور فزاینده‌ای حملات انتحاری به مراکز دینی و آموزشی نیز افزایش یافته بود. به طور باورنکردنی، رویکرد مقابلهٔ نظامی به تدریج جای خود را به مذاکره و صلح با طالبان داد.

اشرف غنی به طور جدی، اما بدون برنامه، روند صلح را پیش گرفت و هیئتی را نیز در این رابطه تشکیل داد. با این حال، ضعف و ناکامی در نهادهای امنیتی به دلیل عزل و نصب‌های سلیقه‌ای و قومی و فساد فرماندهان از یک سو و تمرکز و تلاش اشرف غنی در هر چه سریع‌تر به ثمر رساندن روند صلح از سوی دیگر، ناامنی و قدرت‌یابی طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی را در پی داشت. در طول سال‌ها نبرد، ارتش افغانستان و نیروهای خارجی با طالبان، چندین هزار نیروی طالبان دستگیر و زندانی شده بودند. یکی از خواسته‌های مهم طالبان در جریان مذاکرات صلح، آزادی این زندانیان بود. در همین زمینه، از اقدامات اشرف غنی در روند صلح، آزادی ۵

هزار نیروی طالبان به دستور او، بدون هیچ دستاورد و تضمین متقابل بود (Moghadas, 2021: 62)؛ آن‌هم تنها سه ماه پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۹. پیش‌بینی‌پذیر بود که آزادی این زندانیان باعث افزایش قدرت طالبان و به تبع آن افزایش ناامنی‌ها شود و در نتیجه، بر مشارکت مردم در روند رأی‌دهی تأثیر منفی داشت.

با توجه به پیشروی‌های طالبان و قدرت‌یابی آن‌ها در مناطق گسترده و همچنین رخداد‌های تروریستی در انتخابات سال ۲۰۱۸ پارلمانی، گویا این تهدیدها کارآمد بود و بسیاری را از شرکت در انتخابات سال ۲۰۱۹ بازداشت. طبق گزارش یوناما در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۸ یعنی روز انتخابات پارلمانی در طی حملات تروریستی ۵۶ نفر کشته و ۳۷۹ نفر زخمی شده بودند (UNAMA, 2108). آمارها نشان می‌دهند که تهدیدات طالبان دروغ نبوده و در روز انتخابات ریاست جمهوری (۲۰۱۹) صد واقعه تروریستی رخ داد که در پی آن ۲۸ نفر کشته و ۲۴۹ نفر نیز زخمی شدند (Garshasbi, 2020: 50). تهدیدات طالبان تیر خلاصی بود بر پیکره نیمه جان اعتماد مردم به نظام جمهوری که باعث شد آنانی که مقداری هم به آن امیدوار بودند، از همراهی با آن دست بردارند و در انتخابات شرکت نکنند.

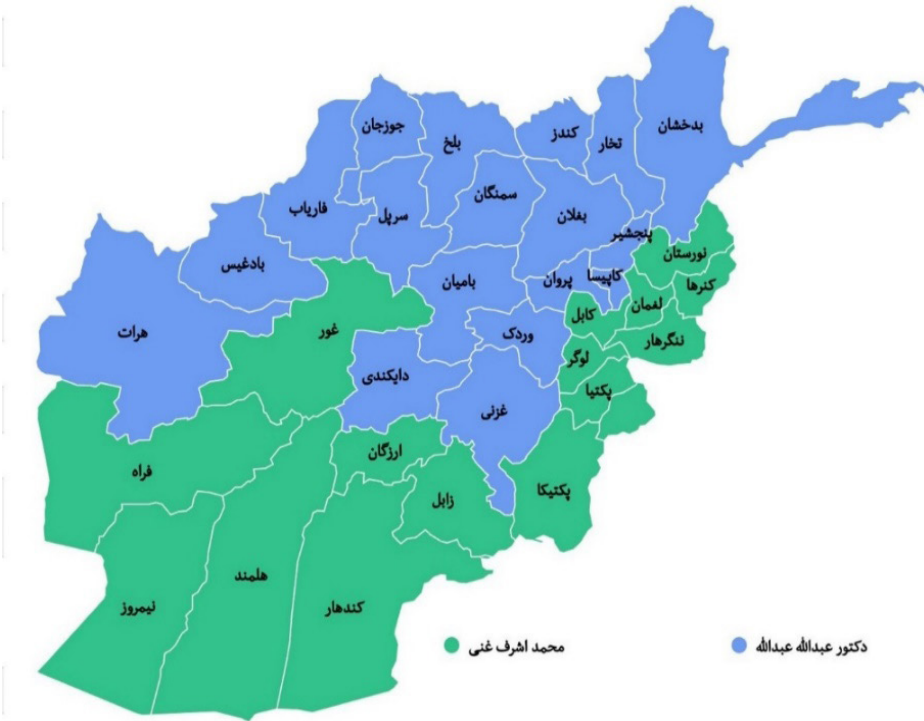


شکل ۱: نقشه مناطق در کنترل دولت مرکزی و طالبان و مناطق مورد درگیری در پایان سال ۲۰۱۸ (Source: Al-Jazeera: 2018)

۵. عمیق تر شدن شکاف‌های قومی

جغرافیای امروزی کشور افغانستان همچون بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا برآمده و به‌جامانده از کنش‌های استعماری کشورهای امپریالیستی است و بر حسب مؤلفه‌های دولت-ملت‌سازی ایجاد نشده است. افغانستان کشوری چندقومیتی، چند مذهبی و چند زبانه با فرهنگ‌های گوناگون است. بیشتر اقوام این کشور دارای همنژادی در کشورهای همسایه هستند. وجود اقوام ناهمگون در طول سه قرنی که از تأسیس افغانستان به دست احمد شاه ابدالی می‌گذرد باعث شده است افغانستانی‌ها به‌جای هویت ملی، همواره هویتی قومی داشته باشند. هویت قومی، مجموعه‌ی ویژه‌ای از عوامل عینی و ذهنی و فرهنگی و اجتماعی است که در گروهی از انسان‌ها تجلی می‌یابد و آن گروه را از سایر گروه‌های متمایز می‌کند (Agha-bakhshi and Afshari-rad, 2010: 223). قومیت از عناصر مهم تحرک و کنش سیاسی در جوامع، به‌ویژه جوامع جهان سومی است. از این رو رأی‌دهی قومی به اعمال اثربخش در گسترش رقابت‌ها و منازعات بینا قومی و در نتیجه، به بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود (Karimi Meleh and Zulfiqari, 2019: 360). در چنین کشورهایی که هر قوم، نامزد خود را در صحنه انتخابات دارد، نامزدها با تمرکز بر خواست‌ها و ویژگی‌های قومی، به بسیج قومی و در نتیجه، ایجاد بلوک رأی قومی اقدام می‌کنند.

با آمدن دموکراسی و برقراری نظام جمهوریت و با تأکید رهبران و قانون اساسی بر برابری و از بین رفتن موانع وحدت‌بخش، نوید آینده‌ای همگون و به دور از چند دستگی می‌رفت. اما حس پشتون‌گرایی در رئیس‌جمهورها (حامد کرزای و اشرف غنی) با انجام کارهایی همچون تقسیم قدرت به نفع قوم پشتون، مقابله قاطع نکردن با طالبان و حتی در مواردی حمایت از این گروه به‌طور غیرمستقیم، فارسی‌ستیزی و مجموعه‌ی سیاست‌هایی که به پدیده «پان‌پشتونیسیم» ختم شد، عامل مهمی بود که از وحدت‌گرایی و یکپارچه‌شدن افغانستان در دوران جمهوریت جلوگیری کرد. نتیجه پان‌پشتونیسیم، این بود که رهبران دیگر اقوام به همان سیاست خویش در قوم‌گرایی و مبارزه با دیگر اقوام در پیش از جمهوریت روی بیاورند.



شکل ۲: نقشه مناطق رأی‌های اخذ شده برای عبدالله عبدالله و محمد اشرف غنی (Source: Adili, 2019)

انتخابات سال ۲۰۱۹ به معنای واقعی، جنگ و تقابل اقوام در قالب پشتون زبان‌ها در یک طرف و پارسی زبان‌ها در یک طرف دیگر بود. اشرف غنی نماینده پشتون زبان‌ها و عبدالله عبدالله نماینده پارسی زبان‌ها بود. در چنین شرایطی قومیت‌گرایی به اوج خود رسیده بود. هنگامی که به نقشه پراکندگی رأی‌های گرفته‌شده در سال ۲۰۱۹ می‌نگریم؛ افغانستان به دو قسمت شمال و جنوب تقسیم شده است. در حقیقت این نقشه واقعیت دیرینه سیاسی افغانستان یعنی تقابل پشتون زبان‌ها در جنوب با پارسی زبان‌ها در شمال را آشکار می‌کند. آنچه دموکراسی برای افغانستان در آستانه انتخابات ۲۰۱۹ به وجود آورده بود؛ یک قومیت‌گرایی نظام‌مند و مدرن بود. پدیده‌ای که افتراق را افزایش و مشارکت سیاسی مردم را تا حد زیادی کاهش داده بود.

جدول ۱. تعداد آرای عبدالله و غنی در ۳۴ ولایت افغانستان

ولایت	غنی	عبدالله	ولایت	غنی	عبدالله	ولایت	غنی	عبدالله
بدخشان	۱۵۲۳۴	۳۹۲۴۶	بادغیس	۲۳۷۴	۶۲۰۹	بغلان	۵۸۳۴	۲۱۰۱۱
بلخ	۲۴۰۷۳	۴۰۰۷۸	بامیان	۱۵۰۲۱	۵۵۷۹۵	دایکندی	۲۹۷۴۲	۶۲۶۲۱
فراه	۳۵۵۲	۵۳۹	فاریاب	۵۲۰۷	۲۰۴۷۶	غزنی	۱۹۲۵۹	۲۶۹۴۶
غور	۲۱۵۵۳	۱۹۸۴۹	هلمند	۳۱۰۲۷	۴۸۷۸	هرات	۳۴۱۹۹	۵۶۱۱۷
جوزجان	۷۳۰۵	۲۹۰۰۶	کابل	۱۶۶۶۱۹	۱۴۱۸۸۱	قندهار	۵۹۴۶۷	۳۶۶۷
کاپیسا	۴۵۹۹	۷۰۸۹	خوست	۷۵۱۰۹	۷۸۷	کنر	۵۴۹۰۷	۵۰۷۲
کندهار	۳۶۳۶	۸۰۷۹	لغمان	۲۲۷۶۹	۴۶۹	لوگر	۱۳۳۴۴	۵۰۳
وردک	۱۲۷۹	۱۷۱۳۹	ننگرهار	۱۸۱۴۶۲	۴۹۴۹	نیمروز	۷۱۸۶	۱۴۸۲
نورستان	۶۲۹۰	۳۵۱۶	پکتیا	۳۵۶۵۷	۱۶۴۳	پکتیکا	۲۹۴۹۹	۸۲۸
پنجشیر	۲۰۷۹	۱۵۳۴۳	پروان	۷۷۸۳	۲۰۴۴۸	سمنگان	۷۱۲۳	۲۸۳۹۲
سرپل	۶۱۵۴	۲۶۳۲۳	تخار	۸۵۸۳	۴۹۵۱۶	ارزگان	۳۵۱۸	۹۳۶
زابل	۵۳۸۰	۲۶۲	مجموع رای غنی		۹۲۳۸۶۸	مجموع رای عبدالله		۷۲۰۹۹۰

Source: Johnson, 2020: 27-30

۶. تعدد و ضعف احزاب

گروه‌های انسانی جایگاه مهمی در الگوی نظری پیاپانورس برای ترسیم و تحلیل رفتار رأی‌دهی در سطح میانه دارند. احزاب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های انسانی نقشی مهم و سرنوشت‌سازی در جهت‌گیری و کنش انتخاباتی افراد دارند. ابتدا ماهیت و هویت احزاب و سپس کیفیت عملکردشان در رفتار رأی‌دهندگان تأثیر می‌گذارد. ماکس وبر احزاب را فرزندان دموکراسی می‌داند. هرچند در افغانستان ریشه شکل‌گیری احزاب به دهه‌های پیش از روی کار آمدن نظام جمهوریت در سال ۲۰۰۱ برمی‌گردد، ولی یکی از دستاوردهای

مهم دموکراسی برای افغانستان شکل‌گیری احزابی نوین بود. بنابر قانون اساسی دوران جمهوریت، افراد با یکسری شرایط خاص و با عضویت دست‌کم ده هزار عضو از سراسر ولایات کشور می‌توانستند درخواست ثبت حزب دهند و پس از تأیید وزارت عدلیه، آغاز به کار کنند (Larson, 2015: 3). بنابراین در آستانه انتخابات سال ۲۰۱۹ بیش از ۷۰ حزب وجود داشت.

در افغانستان احزاب هیچ‌گاه روند طبیعی در شکل‌گیری و ادامه حیات خود نداشته‌اند. در بیشتر مواقع احزاب سیاسی افغانستان گروه‌های سیاسی و نظامی بودند که برای مشروعیت یافتن و ادامه‌دادن به حیات خود، نام حزب را بر خود نهاده‌اند. برای نمونه، گروه‌های جهادی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شمسی هر یک خود را حزب معرفتی کردند. احزاب در افغانستان ماهیت قومی دارند. بیشتر احزاب در افغانستان نماینده یک قوم خاص هستند. این ویژگی احزاب به‌گونه‌ای در افغانستان نهادینه شده است که در باور مردم حزب یعنی تشکیلات سیاسی یک قوم خاص. همچنین احزاب در افغانستان رهبر و فردمحور هستند. شورا و اعضای حزب قدرت تصمیم‌گیری ندارد، یعنی خواست و گرایش رهبر یک حزب است که سیاست و راهبرد حزب را مشخص می‌کند (Hasniar: ۲۰۲۲). علاوه بر این، احزاب افغانستان به‌ویژه احزابی با ریشه‌های پیش از جمهوریت، ریاستشان موروثی است، آن‌گونه که در بیشتر مواقع با مرگ رهبر حزب فرزند ارشد به‌جای پدر رهبر حزب شده است.

احزاب که مهم‌ترین کارویژه‌شان بسیج عمومی و مشارکت دادن مردم در امور سیاسی است، در انتخابات وظیفه مهمی دارند. آن‌ها یا با شرکت دادن یک نماینده از بین خود یا با هم‌سوسدن و اعلام همبستگی با دیگر احزاب افکار عمومی را هدایت می‌کنند. در انتخابات سال ۲۰۰۹ افغانستان احزاب یکی از عوامل مهم استقبال نکردن مردم بودند. آن‌ها به‌جای سازماندهی جامعه برای یافتن بهترین گزینه برای ریاست‌جمهوری، زد و بند سیاسی کردند و شروع به جناح‌بندی‌های قومی و مذهبی کردند. احزاب کوچک و نوظهور عرصه را غنیمت شمرده و برای درآمدزایی به یکی از احزاب بزرگ‌تر یا نامزدها می‌پیوستند. حتی در مواردی آرمان و سیاست‌های خود را زیر پا می‌گذاشتند. برای نمونه، در انتخابات سال ۲۰۱۴ ریاست‌جمهوری، حزب ملت، با هویت هزاره‌تباری‌اش، در دور اول حامی زلمی رسول بود و در دور دوم، به‌صورت ناباورانه‌ای حامی اشرف غنی

شد (Larson, 2015: 8). بنابراین احزاب نه تنها نقش مهمی در جامعه نوین افغانستان نداشتند، بلکه با رقابت‌های قومگرایانه و جاهطلبانه، زمینه‌ساز پیچیده‌تر شدن فضای سیاسی افغانستان شدند و حتی تنش‌های اجتماعی موجود را تشدید کردند.

۷. حذف زنان از مشارکت سیاسی

زنان نیز یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین گروه‌های انسانی در جامعه محسوب می‌شوند. بنابراین از دیدگاه نظری کنش زنان در انتخابات در سطح میانه دیدگاه پپانوریس قابل تحلیل و بررسی است. افغانستان از سال ۱۹۶۴ شمسی دارای قانون انتخابات شده بود. اما تا پیش از اصلاحات قانون انتخابات در سال ۲۰۰۴ هیچ نامی به‌طور مستقیم از حق حضور زنان در انتخابات برده نشده بود. هرچند به‌دلیل کلی بودن قانون تصویب شده در سال ۱۹۶۴ این‌گونه برداشت می‌شد که همه شهروندان افغانستان اعم از مرد و زن می‌توانند در انتخابات شرکت کنند، اما در سال ۲۰۰۴ به‌طور صریح حق شرکت در انتخابات چه به‌عنوان رأی‌دهنده و چه به‌عنوان نامزد، برای زنان در متن قانون بیان شد (Karimnia; Ebrahimi, and Ansari Moghadam, 2021: 7).

زن در جامعه افغانستان همواره و در طول تاریخ جایگاهی فرودستانه و منفعلانه داشته‌اند. فرهنگ، آداب و اعتقادات مردم افغانستان به‌شدت ضد زن بوده است. هرچند میزان این ضدیت در اقوام مختلف افغانستان متفاوت است، با این حال در همه اقوام افغانستانی با درصد‌های گوناگون فرهنگ ضد زن دیده می‌شود. باورهای فرهنگی با آموزه‌های مذهبی باعث شده است که زنان در افغانستان از حقوق اساسی و حضور در اجتماع و مشارکت سیاسی باز بمانند. زن در فرهنگ سنتی افغانستان هیچ اختیاری از خود ندارد و پدر یا شوهر صاحب و مالک آن محسوب می‌شود.

برپایه حکومتی از جنس دموکراسی که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایش دفاع و احقاق برابری و آزادی زنان است، تحول بزرگی برای زنان افغانستان به بار آورد. بلافاصله بعد از روی کار آمدن نظام جمهوریت به زنان حق حضور برابر و آزاد در اجتماع داده شد. از سوی دولت و سازمانها و نهادهای بین‌المللی برای میدان دادن و حمایت از زنان و دختران تلاش زیادی شد. حق تحصیل که در دوره پنج ساله طالبان به کل از دختران گرفته شده بود، دوباره داده شد و برای تشویق خانواده‌ها برای فرستادن دختران به

مدرسه تلاش زیادی شد. در سال ۲۰۰۹ قانون منع خشونت علیه زنان و در سال ۲۰۱۳ نیز قانون انتخابات در حمایت از حقوق زنان تصویب شد. همچنین از ابتدا قانونی تصویب شده بود که همواره ۶۸ کرسی از ۲۵۰ کرسی مجلس ملی، برای زنان در نظر گرفته شود (Said, 2019: 8).

با تمام تلاش‌هایی که در طول نظام جمهوریت برای احقاق حقوق زنان انجام شد، شواهد و آمار نشان می‌دهد که هنوز هم فرهنگ ضدزن در افغانستان به‌طور گسترده‌ای استوار مانده است. برکناری زنان استاندار و رأی نیاوردن زنان معرفی‌شده برای وزارت‌های مختلف از سوی مجلس، نشان از نپذیرفتن زنان در روند مشارکت سیاسی است (Movahhed, 2021: 4).

در آستانه انتخابات سال ۲۰۱۹ ریاست جمهوری میزان مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی میزان خوبی نداشت. در مناطق زیرسلطه طالبان هیچ حقی برای زنان وجود نداشت. در مناطق دیگر، به‌ویژه مناطق پشتون‌نشین (به‌دلیل توقف و فرهنگ پشتون‌والی که زن را نماد غیرت و شرافت خود می‌دانند) نیز زنان تقریباً از مشارکت اجتماعی و سیاسی محروم بودند. مصداق بارز حذف زنان از روند مشارکت سیاسی، انتخابات مجلس در سال ۲۰۱۸ بود که تناسب زنان برای ثبت نام در انتخابات از ۴۱ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۳۴ درصد در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته بود (Said, 2019: 8). همچنین در سال ۲۰۱۹ رأی‌دهندگان زن تنها ۳۴/۵ درصد از رأی‌دهندگان ثبت‌نام شده را تشکیل می‌دادند. در انتخابات این سال، «دایکندی» تنها ولایتی بود که گزارش داد بیش از ۵۰ درصد آرای آن توسط زنان به صندوق آمده است. در نیمی از ۳۴ ولایت افغانستان، کمتر از یک‌سوم آرا از زنان بود و بیشترین نبود تعادل جنسیتی در بخش‌های جنوبی و شرقی کشور گزارش شد. ثبت‌نام زنان تفاوت قابل توجهی بین ولسوالی‌های مراکز ولایات با نواحی دورافتاده‌تر روستایی نداشت و زنان اندکی کمتر از یک‌سوم رأی‌دهندگان ثبت‌نام شده را در همه‌جا تشکیل می‌دادند (Cookman, 2020: 43). بنابراین با وجود وعده‌ها و شعارهای جمهوریت نوپای افغانستان مبنی بر ارتقای جایگاه زنان، شاهد روند زن‌زدایی از صحنه سیاسی کشور هستیم که این موضوع خود ریشه عمیقی در فرهنگ دینی و بومی افغانستان دارد.

۸. ظهور نسل نوین

بر اساس چارچوب نظریه رفتار رأی‌دهی اینگلهارت، تفاوت نسلی از عوامل مهم مؤثر بر چگونگی رفتار رأی‌دهندگان است. آرمان‌ها، ارزش‌ها و هنجارها با گذشت زمان برای هر نسل تغییر می‌کند و تعریف خاص خود را برای هر نسل می‌یابد. از این رو در بررسی رفتار رأی‌دهی یک جامعه، تفاوت نسلی عاملی است که نباید از دید پژوهشگران پنهان بماند. در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹ نسل جدیدی در افغانستان پرورش یافت. نسلی که در سایه دستاوردهای دموکراسی و پیشرفت‌های شگفت‌انگیز فناوری رشد کرده بودند. این نسل نسبت به نسل‌های گذشته خود در محیطی آرام‌تر برابرتر و آزادانه‌تر بزرگ شده بودند. در این دوره، تعداد مدارس و دانشگاه‌ها افزایش یافت؛ همین موضوع باعث شد میزان باسوادی مردم رشد چشمگیری پیدا کند. در سال ۲۰۰۱ میزان باسوادی در بین مردان ۲۷ درصد و زنان ۵/۶ درصد بود. در سال ۲۰۲۰ نرخ باسوادی برای مردان ۵۵ درصد و برای زنان ۲۹/۸ درصد برآورد شده است (Orfan, 2021: 8). اگر نسل‌های گذشته خواسته‌های‌شان از حکومت مرکزی تنها در تأمین امنیت خلاصه می‌شد، در نسل جدید با توجه به برقراری امنیت نسبی در دوران ۲۰ ساله جمهوری، در کنار تداوم برقراری امنیت خواسته‌های فراتر از آن نیز داشتند. خواسته‌هایی همچون ایجاد زمینه‌ها و بسترهای تحصیلی تا بالاترین درجات علمی، آزادی بیان و اندیشه، برابری اقوام، از بین رفتن اندیشه و اعمال نژادپرستانه، احقاق حقوق زنان، تأمین شغل و امنیت شغلی، ثبات اقتصادی، گسترش نظام سلامت و بهداشت (Akseer et Al, 2019: 51).

بنابر پژوهشی که پس از سه هفته از انتخابات سال ۲۰۱۹ ریاست‌جمهوری در میان جوانان افغانستان انجام شده است؛ این افراد بی‌اعتمادی‌شان را نسبت به دولت و روند انتخابات مهم‌ترین دلیل نبود مشارکت سیاسی‌شان بیان کرده‌اند. علاوه بر این، دو عامل فساد گسترده در دولت و خاطره بد از مهندسی انتخابات سال ۲۰۱۴ از دلایل روی‌گرداندن نسل نوین از مشارکت سیاسی فعال بوده است (Orfan, 2021: 16). به‌طور کلی، نسل تحصیل‌کرده و برخوردار از ارزشهای جدید با آگاهی کامل از شرایط موجود، نظام حاکم افغانستان را ناکارآمد و غیرقابل اعتماد دانسته است، به همین دلیل شرکت در انتخابات را تحریم کردند. در حالی که حضور فعال این نسل در انتخابات می‌توانست نقش تأثیرگذاری بر نتایج آن داشته باشد. همچنین صحنه مشارکت سیاسی افغانستان را پویاتر جلوه دهد.



نمودار ۱: مدل تحلیلی پژوهش

۹. نتیجه

سال‌هاست انتخابات به‌ویژه در کشورهای دارای نظام شبه‌دموکراسی، وسیله‌ای برای سنجش و میزان مشروعیت و محبوبیت حکومت و حکومت‌مداران است. از این رو چنین حکومت‌هایی همواره می‌کوشند نمایشی پرشکوه و با درصد مشارکت حداکثری از انتخابات به مردم خود و جامعه جهانی نشان دهند. نخستین پیام استقبال نکردن از چهارمین انتخابات ریاست‌جمهوری

افغانستان در سال ۲۰۱۹، کاهش مشروعیت و مقبولیت نظام جمهوری در بین باشندگان افغانستانی بود. حکومت مرکزی، گروه‌های مخالف نظام جمهوری و مداخلات کشورهای خارجی سه عنصر مهم در از بین رفتن تمایل به مشارکت سیاسی مردم افغانستان بوده است. حکومت مرکزی در طول دو دهه با انحصاری کردن قدرت در بین یک قوم خاص و عقب‌راندن دیگر اقوام، موجب شکل‌گیری جنگ سرد میان گروه‌ها، احزاب و اقوام مختلف با حکومت مرکزی و قوم مورد حمایتش شد. هم‌زمان طالبان و داعش به‌عنوان مهم‌ترین گروه‌های مخالف با حکومت مرکزی، در حال قدرت‌گرفتن در افغانستان بودند. تبدیل مقابله نظامی به مذاکرات نرم در برابر طالبان و امتیاز دادن‌های بی‌حد و بی‌حساب دولت به این گروه بیش از پیش مردم را از جمهوریت و دموکراسی دل‌سرد کرد.

اقدامات مخرب حکومت مرکزی، گروه‌های مخالف و کشورهای خارجی باعث بی‌اعتمادی سیاسی و اجتماعی مردم در برابر دموکراسی شد. دموکراسی در آستانه انتخابات ۲۰۱۹ پرونده قابل دفاعی میان مردم نداشت. شکی نیست که تقلب و از بین رفتن رأی مردم در انتخابات سال ۲۰۱۴ تأثیر مهمی بر روحیه سیاسی مردم داشته و آن‌ها را با بحران سیاسی مواجه کرده بود که برآیند آن جلوگیری شهروندان افغانستانی از حضور در انتخابات سال ۲۰۱۹ بود. رفتار رأی‌دهی مردم در انتخابات سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که فروپاشی دموکراسی یا نظام جمهوری در سال ۲۰۲۱ دور از انتظار نبوده است. فقر، فساد، ناامنی و نابرابری در پیش از انتخابات سال ۲۰۱۹ به اوج خود رسیده بودند. عواملی که پس از انتخابات شدت بیشتری هم به خود گرفتند و حکومت مرکزی در پی آن مهم‌ترین سرمایه خود یعنی اعتماد عمومی را نسبت به خود از دست داد. نتایج انتخابات و رفتار رأی‌دهی مردم افغانستان ثابت کرد که نمی‌شود دموکراسی را بدون زمینه‌سازی‌های بلندمدت بر کشوری تحمیل کرد. مردم از دموکراسی غربی روی گردانده بودند. آن‌ها پس از انتخابات انتظار نظام سیاسی جدیدی را از به توافق رسیدن پرونده صلح دو حه داشتند. در نهایت کمتر از دو سال بعد از انتخابات آنچه پاسخ انتظار مردم بود، چیزی جز همان نظام امارتی طالبان ۲۵ سال پیش نبود.

پژوهش حاضر تلاش کرد با بررسی موردی رفتار رأی‌دهی مردم افغانستان در سال ۲۰۱۹ به این مهم دست یابد که رفتار رأی‌دهی یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی است که می‌توان با تمرکز بر آن وضعیت یک نظام سیاسی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. همچنین تمرکز و تحلیل رفتار رأی‌دهی جوامع آینده‌نما برای نظام‌های سیاسی است که می‌توان از این راه به میزان پایداری، ماندگاری و مقبولیت آن‌ها پی برد.

References

- Abaszade Mohsen; Taleshi Koleti, Kausar (2022). Taliban and Retrieving the Sovereignty: Strong Movement, Weak Nation-State, The Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Vol.4, No3, Serial No.13. Pp. 105-130. [In Persian]
- Abdullah, Abdul-Mutalib (2009). Saturation in theories of voting behavior. Islamic Revolution Approach Journal, Vol. 3, No.8. PP 87-104. [In Persian]
- Abu-El-Haj, Jawdat (2008). Robert Dahl eo dilema da igualdade na democracia moderna. Análise social, 159-180.
- Nawim, Adeebullah; Wani, Zahoor (2023). Building democracy: Challenges, violence and public participation in presidential elections of Afghanistan since 2004. UGC Care Group I Listed Journal, Vol-13, Issue-03, No.02: 61-73. http://junikhyatjournal.in/no_1_Online_23/31_mar.pdf
- Adili, Ali Yawar (2019). Afghanistan's 2019 Elections: The preliminary result, finally, but no end to controversy. Afghanistan Analysts Network. December 22, 2019, link: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/political-landscape/afghanistans-2019-elections-27-the-preliminary-result-finally-but-no-end-to-controversy/>
- Agha-bakhshi, Ali; Afshari-rad, Mino (2010). Political science culture. Tehran: Chapar. [In Persian]
- Akseer, Tabasum; Hayat, Khadija, Catherine Keats, Emily; Kazimi, Sayed Rohullah (2019). A survey of the Afghan people: Afghanistan in 2019. The Asia Foundation. <http://hdl.handle.net/11540/11341>
- Al-Jazeera, (2018). Afghan government continues to lose ground to Taliban: SIGAR. November 11, 2018, Link: <https://www.aljazeera.com/news/2018/11/1/afghan-government-continues-to-lose-ground-to-taliban-sigar>
- Amiri, Masoumeh (2016). The appearance of women on Afghan television after

- the fall of the Taliban. *Women's Research Studies Quarterly*. PP. 69-84. [In Persian]
- Aryan News Agency (2018). The latest map of the areas under the control of the Taliban and ISIS in Afghanistan. Security-political news section. link: <https://ariananews.co/news/>. [In Persian]
- Bagheri, Ismail (2017). Afghanistan's political structure; President and Chief Executive Officer. *Journal of Islamic World Strategic Studies*, No.69. PP 82-149. [In Persian]
- Bakhtiari, Seddiqeh; Zaki, Mohammad Mahdi (2019). Ethnic groups and distribution of political power in Afghanistan, adjusting or changing the political system in the country. Kabul: Afghanistan Institute of Strategic Studies (AISS). [In Persian]
- Cookman, Colin (2020). *Assessing Afghanistan's 2019 Presidential Election*. Washington: United States Institute of Peace.
- Dahl, Robert A.; Stinebrickner, Bruce (2013). *Modern political analysis*. Translation: Humira Moshirzadeh. Tehran: Farhang Javid. [In Persian]
- Davoodi, Maedeh; Kiani Davood; Barzegar, Keyhan (2023). "The Issue of Taliban gaining Power and the Approach of the Islamic Republic of Iran", *The Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, Vol.5, Serial No.16, PP. 138-161. [In Persian]
- Evans, Martin (2021). *Afghanistan; People and politics*. Translation: Sima Moulai. Tehran: Ghoghnos. [In Persian]
- Garshasbi, Reza (2020). Afghanistan presidential election and its challenges. *Journal of Identity*, No.49. PP 49-53. [In Persian]
- Hasniar, Mohammad Rasul (11/6/2022). The failed record of parties in building a democratic system. *Hasht Sobh Newspaper (Afghanistan)*. link: <https://8am.media/the-failed-record-of-parties-in-building-a-democratic-system/>. [In Persian]

- Inglehart, Ronald (2008). Changing values among western publics from 1970 to 2006. *West European politics*, 31(1-2), 130-146.
- Islamic World Future Research Center (3/27/2021). Financial corruption in Afghanistan and reduction of international aid. link: <https://iiwfs.com//>. [In Persian]
- Johnson, Thomas. H. (2020). *The 2019 Presidential Election: A Continuation of Problematic Processes and Results*. Kabul: Afghanistan Institute for Strategic Studies.
- Karimi Maleh, Ali; Zulfiquari, Vahid (2019). An introduction to the political sociology of voting behavior. Tehran: Contemporary view. [In Persian]
- Karimi, Hossain Ali; Ebrahimi, Ghulamreza (2015). *Corruption Mapping in Afghanistan Assessment of People's Understanding and Viewpoint from Corruption*. Kabul: Afghanistan Institute for Strategic Studies.
- Kariminia, Mohammad Mehdi; Ebrahimi, Mohammad Ali; Ansari Moghadam, Mojtabi (2021). Women's participation in elections from the perspective of Islamic jurisprudence with emphasis on Afghanistan's national culture. *Journal of New Developments in Psychology, Educational Sciences and Education*, No.36. PP 1-17. [In Persian]
- Larson, Anna (2015). *Political parties in Afghanistan*. United State institute of peace. <https://www.usip.org/sites/default/files/SR362-Political-Parties-in-Afghanistan.pdf>
- Maftun, Khan (2014). Karzai accepted Abdullah's offer in the deadlock of the election. *Voice of America*. Link: <https://www.darivoa.com/a/karzai-accepts-abdullahs-terms-on-elections/1941978.html>
- Moghadas, Azam (2021). Investigating the causes and contexts of the Taliban's return to power in Afghanistan (2015-2021), a three-level analysis. *Journal of Political Sociology of the Islamic World*, No.19. PP 55-82. [In Persian]
- Movahhed, Javad (2021). *Index of women's political participation in the nation-*

- al unity government. Rena scientific-research quarterly. PP 1-9. [In Persian]
- Norris, Pippa (2007). Political activism: New challenges, new opportunities. The Oxford handbook of comparative politics, 628-652.
- Orfan, Sayeed Naqibullah (2021). Political participation of Afghan Youths on Facebook: A case study of Northeastern Afghanistan. Cogent Social Sciences, 7(1), 1857916. DOI: 10.1080/23311886.2020.1857916
- Rezaei, Hossein (2012). Theories of political participation with the election approach. Election Studies Quarterly. Vol. 2, No. 5 and 6, pp. 7-41. [In Persian]
- Rosenberg, Matthew; Sukhanyar, Jawad (2014). Early Tallies Indicating Afghan Vote a Success. The New York Times. Link; <https://www.nytimes.com/2014/04/07/world/asia/early-tallies-indicating-afghan-vote-a-success.html?searchResultPosition=10>
- Said, Homa (2019). Independent Reporting Mechanism: Afghanistan Report 2019-2017. New York: Open Governance Partnership. [In Persian]
- UNAMA, (2018). Afghanistan: Protection of Civilians in Armed Conflict. Special Report: 2018 Elections Violence Report. November 7, 2018, Link: <https://unama.unmissions.org/sites/default/files/>